

بازتاب شهر خورشید در ظروف سفالی

محدثه دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

شهر میبد که همچون نگینی در خطه ی کویر ایران می در خشد از تاریخی کهن برخوردار است. مورخان، بنای شهر میبد را به شاه موبد از شاهان ساسانی، یا میبدار، از سرهنگان یزد گرد نسبت داه اند که بنا بر دیدگاه نخست، نام میبد، تغییر یافته از واژه ی موبد می باشد. و بنا بر دیدگاه نخست واژه ی میبد، اختصاری از کلمه ی میبدار است. (فاکر، ۱۳۸۲:ص ۲۰)

در این رهگذر باید اشارت نمود که ره آورد مسافرت به میبد می تواند، فرش زیلو، و انواع ظروف سفال و سرامیک باشد. در خصوص صنعت سرامیک و کاشی، باید گفت : نگاره های ظروف کاشی میبد، بیشتر جنبه ی نمادین و ریشه در آثار کهن دارد، و یکی از این نقش ها در سال ۱۹۷۱ میلادی برنده ی مدال طلای نمایشگاه بین المللی مونیخ گردید. سفالگران از معدود کسانی هستند که برطبق باورهای فلسفی دنیای قدیم در کار خود با عناصر چهارگانه هستی، یعنی آب و خاک و آتش و هوا سروکار داشته اند و چون تغییراتی کیفی در مواد طبیعت ایجاد می کرده اند، در شمار جادوگران و کیمیا گران به حساب می آمده اند بدین لحاظ آنان از پیشگامان علوم و صنعت بوده اند.

واژگان کلیدی : میبد، صنایع دستی، خورشید خانم، سرامیک

^۱ دانشجوی کارشناسی گرافیک دانشگاه بین المللی شاهد تهران،

مقدمه

با نگاهی بر این شهر تاریخی می توان دریافت که این منطقه دارای پیشینه ای در خشان بوده است و مردمی با فرهنگ و آداب خاص زندگی می کرده اند. ساختمان های خشتی و گلی در این شهر و نقش و نگارهایی که نشانگر صدها سال زندگی است بر روی آن، همه و همه حکایت از باستانی بودن این منطقه دارد. هنر سفالگری با پیشینه ای دراز که دقیقا معلوم نیست از چه زمانی در اینجا رواج داشته و نگاره هایی که در هر کدام عناصری از طبیعت و زندگی در آن نقش بسته است، تماشاگر را به اعجاب و ا می دارد. به راستی در ضمیر هنرمند میبدی چه می گذشته است که حتی خورشید را از قاب آسمان کنده و بر روی کاسه و قدح خود گذاشته، ماهی دریای خیال خود را با ذهنیتی آرمانی صید کرده، دور تا دور قاب و بشقاب سفالی خود می چیند و به نام "گل و ماهی" و "خورشید خانم" هدیه می دهد.

پیشینه ی تاریخی میبد

میبد یکی از نمونه های نادر شهرهای باستانی ایران به شمار می رود، هرچند که بافت سنتی آن گزندهای فراوان دیده است اما هنوز بسیاری از پدیده ها و عناصر شهری قدیم، مانند راه های باستانی، بناها و تشکیلات وابسته به آن، کهن دژ، شارستان، بیرونه ها و آثار گسترش شهری و بازمانده بناهای کهن را می توان در آن تشخیص داد.

کهن ترین سند هویت تاریخی و آغاز شهر سازی در سرزمین یزد، « نارین قلعه » میبد است که این کهن دژ همچون پیری خسته و خاموش، سالیان دراز رنج و آسایش مردمان این دیار را به همراه دارد.

نارین قلعه به عنوان قدیمی ترین بنای خشت و گلی در منطقه یزد خودنمایی می کند. قدمت این بنا حکایت از زندگی و حضور تمدن در منطقه میبد در هزاره های سوم پیش از میلاد دارد. این بنا به عنوان اصلی ترین نقطه آغاز تمدن و یکجانشینی در شهر میبد بر فراز تپه رسی به ارتفاع ۲۵ متر شکل گرفته است. کاوش های باستان شناسی در محدوده نارین قلعه و آثار مکشوفه از این بنا ریشه تاریخی منطقه و شواهد زیادی از تاریخ شهر نشینی و تحولات منطقه یزد را مشخص می کند. (فلاح ، ۱۳۹۰، ص ۵۱)

مصالح به کار رفته در این مجموعه متراکم، خشت و گل بوده و خشتهای مشاهده شده در آن منتسب به معماری هخامنشی می باشد. این بنا در اغلب دوره ها به عنوان پناهگاه استفاده می شده است. نارین قلعه که باید آن را آغاز یکجانشینی و بنابر این شروع ساخت شهرها و آبادیها دانست در دوره ساسانیان یک روند گسترش را تجربه کرده، و با گسترش از سمت شمال باعث شکل گیری محدوده های داخل حصار و مجموعه شارستان که امروزه از آن به عنوان محلات اصل شهر قدیم میبد نام برده می شود گردیده است. با شکل گیری مجموعه های جدید خارج حصار و در طی یک تحول شهرنشینی آبادیهایی که بیرونه های میبد نامیده

می شدند، شکل گرفته و روند توسعه شهر ساسانی میبد را تکمیل کرده اند. نارین قلعه یکی از پر رونق ترین دوران عمر خویش را در دوره آل مظفر (در دوره ای که حاکمانی از شهر میبد برخاسته بودند) تجربه کرده و باز هم بر گسترش خود افزوده است.

مجموعه نارین قلعه متشکل از محدوده های طبقاتی و عناصری نظیر دربند، دیوارهای تو درتو، خندق، برج و باروهایی بوده که این بنا را از پیرامون خود جدا کرده است. دیوارهای اصلی این بنا روی یک پلان مدور به شکل یک بیضی نامنظم بنا شده که قسمتی از آن به همراه درگاه اصلی و محوطه های جنوبی از بین رفته است. درگاه اصلی نارین قلعه در سمت غرب آن قرار داشته که با داشتن دری محکم و مخصوص و استفاده آن به صورت تخته پل عبور پیاده ها و سواره ها را به داخل قلعه میسر می ساخته است. محوطه خالی مشاهده شده در روبروی نارین قلعه در پشت دیوار دوم آن جای داشته که به عنوان اماکن و فضاهای مورد نیاز ساکنان قلعه مورد استفاده قرار می گرفته است. آنچه امروزه به عنوان نارین قلعه شناخته می شود بنای خشتی روبروی این محوطه است که درگاه اصلی آن درگاه و دربند سوم نارین قلعه بوده است. این درگاه در کنار دیوار شرقی محوطه مذکور می باشد که درگاههای آن به فصیل اصلی و مجموعه های نسبتا پر اهمیت قلعه در طبقات بالا گشوده است. اتاقهای موجود در بدنه تپه رسی نارین قلعه به بوکن معروف می باشد که بدون هیچ نظم خاصی کنده شده اند. دهانه تعدادی از این بوکنها به راههای زیر زمینی که تاکنون هیچ تحقیقی در نظم آنها صورت نگرفته است متصل می شود. قسمت شاه نشین این قلعه در مرتفع ترین قسمت آن قرار دارد که شامل راهروها و اتاقهای تودرتو می باشد که جرزهای اصلی آن با خشتهای تاریخی بنا هم دوره می باشد. مصالح به کار رفته در این مجموعه خشت و گل بوده و ابعاد خشتهای مشاهده شده در آن که متناسب به معماری هخامنشی، اشکانی، و ساسانی می باشد اکثرا (۱۰*۲۴*۴۰) سانتیمتر است. کلیه فضاها، دیوارها، برجها و دربندهای مشاهده شده در این بنا مجهز به تیرکشاها و روزن ها می باشند که جنبه های تدافعی قلعه را آشکارتر می سازند. (کارگر، ۱۳۹۰، ص ۶۵)

پویش تاریخی شهر میبد

میبد از نمونه های نادر شهرهای باستانی به شمار می رود؛ که دارای ابنیه باستانی می باشد. از جمله اسناد تاریخی که اهمیت سیاسی و پایگاه مدنی میبد را در دوران ساسانی مشخص می کند، سکه های باز مانده از دوره پوراندخت (سال ۲۴ هجری) است که در میبد ضرب می شده است. محققان تاریخ پیدایش شهر میبد را به مادها نسبت می دهند و دوران گسترش و آبادیش را ساسانیان و دوران اقتدارش آل مظفر می دانند. تا

جایی که در قرن هشت مدتی پایتخت حکومت آل مظفر بوده است. زیلو بافی و سرامیکش قدمتی دو سه هزار ساله دارد. باغات انارش که از قنات ۷۰۰ ساله سیراب می شود شهره همه عالم بود، به این علت است که این شهر را به عنوان «باغ شهر» می شناسند. برخی اعتقاد بر این است که میبد از «مهربد» به معنای آبادی خورشید گرفته شده است. شاید به همین علت باشد که زیبا ترین و معروفترین نقش سفال میبد که شهرت جهانی دارد را خورشید خانم می نامند. برخی دیگر را عقیده بر «مهبید» است که نام سرهنگی از سپاه ساسانیان بوده که باعث گسترش و آبادی شهر شده است. در بلندترین نقطه این شهر بر بلندای تپه ای قلعه ای با عظمت که نامش «نارین» سند گویاییست که اگر بر آن قدم گذارید نظاره گر تاریخ این شهر خواهید بود. (پویا، ۱۳۷۶، ص ۱۷)

پیشینه های تاریخی یک اثر یا مجموعه آثار در صورتی می تواند جذاب باشد که کلیت و پیوستگی آن مشخص باشد. به طور مثال محله های قدیمی با کوچه های پیچ در پیچ بلند، خانه های قدیمی در کنار سابات و بازارچه ها، تیمچه ها، بازارها و سقف های ضربی و مدور، آن هم با مصالح ساختمانی گل رس و خشت خام با ساز و کارهای خاص نظیر بادگیرهای چند دهنه و تالار و سردابها که ترکیبی از سازگاری سه عنصر جغرافیا، فرهنگ و اقتصاد است.

اهمیت تاریخی شهر میبد

اهمیت شهر به لحاظ تاریخی: میبد در کنار یک شاهراه کهن که از یک طرف به حوزه های تمدن مانند ری و سیلک و از سوی دیگر به استقرار گاه و تمدن های کهن جنوب غربی و جنوب شرقی می پیوندد. از سوی جنوب غربی به ایالت پارس، استخر، شوش، تخت جمشید و فیروز آباد و از طرف جنوب شرق به یزد و کرمان و بم و استقرار های کهن تر این حوزه نظیر تپه یحیی، تپه ابلیس و در حقیقت میبد بر سر یک مفصل ارتباطی قرار داشته که امروزه نیز جاده ترانزیتی از کنار آن می گذرد که نقش خود را به عنوان یک شهر هم در اتصال شهرهای بزرگ و صنعتی حفظ کرده است.

اهمیت تاریخی: دوران طلایی میبد همان دوره میانی اسلام است یعنی مشخصاً قرن ۹ و ۸ هجری دوران زمامداری آل مظفر مدت زمان کوتاهی که میبد طعم مرکزیت سیاسی بخشهای وسیعی از فلات مرکزی ایران را می چشد. البته آثار بسیار قدیمیتری در این شهر کشف شده در اطراف نارین قلعه مربوط به هزاره سوم تا چهارم پیش از میلاد است. اولین لایه کشف شده معماری مربوط به دوره های ماد و هخامنشیان است. (ذاکر عاملی، ۱۳۸۵، ص ۳۳)

میبد باستان

با اتکا به اسناد موجود بیشتر به اواخر دوران ساسانی اشاره دارد می توان پذیرفت که میبد در دوران ساسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و اقدامات عمرانی و ساختمانی فراوانی توسط سرداران ساسانی در آن انجام شده. هرچند که اسناد فوق عموماً به ایجاد آن اشاره دارند ولی سوابق نشان می دهد که هسته های نخستین آن متعلق به زمان بس دورتر بود. و می توان پذیرفت که در این زمان، شهر یک دوره ی پویا و پرتحرک داشته و بیش از پیش توسعه و گسترش یافته است، در این میان می توان به ضرب سکه در میبد در دوران پوراندخت ساسانی اشاره کرد.(پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۸۶، ص ۱۵)

بر اساس تحقیق های انجام شده بر روی لایه های معماری و شیوه های ساختمانی مصطبه خشتی نارین قلعه، به ویژه ابعاد و اندازه ای خشت های بزرگ آن می توان آن را از آثار دوره ی ماد محسوب کرد. این موضوع را سفال های به دست آمده در نارین قلعه که متعلق به همین دوره است نیز تأیید می کند.(اسفنجاری، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

میبد در دوران اسلامی

از مشخصه های اصلی شهر در دوره اسلامی مسجد جامع آن است. حضور مسجد اولیه ی میبد در سده های دوم و سوم هجری به معنای حضور در تسلط دوران اسلامی بر منطقه است. هرچند که غیر مسلمانان هم در این زمان در منطقه حضور داشته اند. جغرافی نویسان اولیه ی اسلامی از جمله اصطخری و ابن حوقل میبد را از جمله شهرهایی شمرده اند که در آن زمان «جامع و منبر» و مسجد آدینه داشته است.

اصطخری در المسالك و الممالك میبد را به همراه کثه و نائین از جمله سه شهر کوره اصطخر می داند که دارای مسجد آدینه است. به جز مسجد اولیه ی میبد باید مرمت های این دوره در نارین قلعه، شواهد بسیار اندک شهرسازی و توسعه و مرمت حصار و برج و باروی شهر اشاره کرد.

در دوران اسلامی تا دوران حکومت آل کاکویه و اتابکان، از میبد جسته و گریخته در ذیل اوقات و عمارتی که خبر آن به طور پراکنده در کتاب های تاریخ محلی یزد مسطور است نام برده شده است. اما از اواخر دوران اتابکان، به دلیل حضور خاندان آل مظفر اهمیت بیشتری می یابد.

آل مظفر اقدامات عمرانی و مرمت های ساختمانی زیادی در میبد که در واقع خاستگاه شان بود انجام داده اند. از جمله مرمت و احیای دوباره ی نارین قلعه میبد، مرمت و توسعه ی محلات قدیمی فیروز آباد و

مهرجرد، ساخت مجموعه های مذهبی، خانقاه، مدرسه ی مظفریه و بسیاری از بناهای عمومی و عام المنفعه که از آن در متون و تواریخ محلی یزد نام برده شده است. (اسفنجاری، ۱۳۸۵، صص ۲۴-۲۲)

اهمیت فراوان میبید در دوران آل مظفر باعث این کینه توزی امیر تیمور گورکانی شد. با انقراض سلسله ی مظفری و قتل عام آن به دست امیر تیمور، میبد نیز از جایگاه خود فرو افتاد و بخشی از نارین قلعه به فرمان امیر تیمور ویران شد.

میبد در دوران صفویه نیز نتوانست اهمیت دیرین خود را باز یابد به ویژه آنکه در قیام پسیخانیان، این شهر چندی پناهگاه شورشیان پسیخانی و نقطوی شد.

شاه عباس پس از آمدن به شهر، سران ایشان را در شمس آباد میبد به قتل رساند. (اسفنجاری، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

پس از دوره صفویه به واسطه ی تغییرات و اصلاحاتی که در شبکه ی راههای قدیمی منطقه به وجود می آید کم کم اردکان به عنوان هسته ای مستقل مطرح شده و به همراه محله های قدیمی همجوار به رشد و توسعه ی خاص خود مستقل از میبد ادامه می دهد.

میبد در دوران قاجار نیز در کنار یزد به عنوان یکی از نقاط ویژه ی زیستی استان به حیات خود ادامه می دهد و به دلیل برقراری آرامش و امنیت در منطقه رشد و توسعه آرامی دارد.

در این دوره علاوه بر ایجاد قنوات و آب انبارها و استراحتگاه های صحرایی در میان باغ ها و چند محله ی اربابی جدید با طرحی نو پدیدار می شود که دارای نظامی هندسی و خیابان هایی همانند چهار باغ هستند که تا پیش از آن در ساختار محلات میبد سابقه نداشته است.

در دوره های بعد به تدریج از اهمیت میبد کاسته شد و این شهر دیگر هیچ گاه مقام و اهمیت پیشین خود را به دست نیاورد. (اسفنجاری، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

وجه تسویه میبد

در مورد نام میبد سه نظر وجود دارد:

- ۱- در روزگاری که میبد شهری بندری و مهم و دارای تاکستانهای بسیار وسیعی بوده است انگور این تاکستان ها به جاهای دیگر صادر می شده و لذا آن را صاحب می (می + بد) نامیده اند.

۲- می بد همان تغییر یافته «موبد» در دین زرتشت می باشد.

۳- یزد گرد سوم دارای سه سردار به نامهای میبد دار، بیدار، وعقد ار بوده که هر کدام در آبادنی میبد، بیده و عقدا کوشیده اند. در تاریخ محلی یزد شهر ساسانی میبد به عهد چند تن از شاهان این خاندان از جمله یزدگرد، قباد و انوشیروان نسبت داده اند و به نام یکی از سرداران و یا فرزندان شاه می خوانند از جمله آنکه یکی از از سرهنگ های یزدگرد را بانی شهر دانسته اند اما احمد کاتب روایتی دارد که بنای مدینه میبد به عهد پادشاهی قباد نسبت داده است .

(کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ص ۴۰)

صنایع دستی میبد:

زیلو وسفال به دلیل اهمیت اقتصادی قابل توجه و قدمتی که داشته است یکی از عرصه های نمود ذوقی و هنری میبدی هاست، و نگاره های متعدد و متنوعی دارد، که بسیاری از آن ها به مثابه یک خط تصویری بیانگر فکر و اندیشه و شرایط اجتماعی اقتصادی مردم میبد است. چون بیشترین کاربرد زیلو در اماکن مذهبی بوده است، بیشتر نگاره های آن هم از فرهنگ معنوی و غیر مادی منشا گرفته است . در صورتی که نگاره های سفال بیشتر از جهان مادی و طبیعت و پدیده های عینی سرچشمه گرفته است، هرچند الهام گرفتن از مظاهر ملموس طبیعت حتی ابزار و وسائل زندگی در نقش مایه دستبافت ها و هر هنر دیگر یکی از سنت های معمول و رایج در هرمنطقه است، و هنرمند میبدی هم از این بابت از قافله عقب نمانده است، و هنر او به ویژه در زمینه نقش و نگار ها مظهر نام و نموده های بسیاری از مظاهر فرهنگی زیست محیط اوست، ولی تنها داشتن نام محلی گواه ابداع وخلق این پدیده ها نیست. بی تردید در بسیاری موارد با تغییر شکلی که به مرور در این نقوش حاصل شده، وجه تشابهی با پدیده های محیط زیست میبدی ها پیدا کرده و نام های آن تغییر یافته است ، بسیاری از این نگاره ها به نوعی در دستبافته ها یا صنایع سفال رواج عام دارد و خاص یک منطقه نیست .مثلا نگاره کنگره پدیده نوظهور و خاص میبد نیست ، و همه جا در لبه دیوار و برج قلعه ها قابل مشاهده است. گرچه هنرمندان میبدی در بسیاری از موارد مقلد آبا واجداد خود بوده اند، ولی هر چند صبایی، توسن فکر واندیشه آنها جولانی گرفته و با الهام از محیط زندگی خود نقشی نوآفریده اند، اما چون در نگاره های ظروف سفال میبد تاثیر گرفتن از محیط زندگی عرصه پهناورتری دارد، نوآفرینی بیشتری به چشم می خورد. (جانب الهی، ۱۳۸۵، ص:۴۹۲)

صنایع دستی نشانگر و گزارشگر آداب و رسوم، اعتقادات، روحیات، ذوق و سلیقه ی مردم هر کشور و منطقه است. تنوع صنایع در پهنه ی جغرافیایی جهان، همچنین بیانگر میزان کمال، دانش، فرهنگ هنر، و خلاقیت مردم هر سرزمین است. علاوه بر این ، تحول و تطور صنایع دستی یک قوم، گویای سیر تاریخی، پیشرفت و یا انحطاط آن قوم است.

صنایع دستی شهرستان به چند گروه طبقه بندی می شوند که عبار تند از: سفال گری، زیلو بافی، و یکی از قدیمی ترین صنایع دستی مردم میبد بوده و به اعتقاد اکثر کارشناسان صنایع دستی استان سابقه تولید ظروف سفالی در این شهرستان به حدود ۶۰۰۰ سال پیش می رسد. (گل محمدی شورکی، ۱۳۷۹، ص ۲۵)

تاریخچه سفال سازی در ایران

به گمان اکثر پژوهندگان تاریخ و تمدن و فرهنگ، ایران خاستگاه اولیه ی هنرِ فنِ سرامیک شناخته شده است ،هرچند که آثار سفال و سرامیک از دیر باز در نقاط مختلف دنیا از چین تا بین النهرین و اروپا و آمریکا پراکنده بوده است.گیر یشمن دانشمند و تاریخ شناس فرانسوی در حفاریات منطقه ای بختیاری سفالینه هایی یافته که آنها را متعلق به ده هزار سال پیش از میلاد دانسته است. همچنین قدمت سفالینه های به دست آمده در نقاط دیگر کشور نیز از وجود دوره های تاریخی در این صنعت حکایت دارد. بنا بر این طبیعی است که این هنر - فن به علت کهنسالی دارای جنبه های بسیار قوی فرهنگی و جامعه شناختی است. (پویا ۱۳۷۸، ص ۱)

پیشینه سفال در میبد

سخن از تاریخ صنعت سرامیک در میبد است. آگاهی از این امر بدون شناخت اجمالی جغرافیایی منطقه میسر نیست. خاک رس ، عنصر اصلی کار سفالگری است. در دشت رسوبی یزد ، منطقه جنوبی میبد در واقع یک تراس جغرافیایی است که توده های عظیمی از خالص ترین انواع خاک رس در آن انباشته است. همان جا یعنی جنوب میبد که مقرر قدیمی کارگاههای سفالگران است و از این لحاظ یک موقعیت ویژه ای خاک شناسی دارد. هر چند که در مجموعه شیمیایی خاکهای منطقه ، همسانیهایی وجود دارد، اما از لحاظ فیزیکی خاک این منطقه از میبد دارای شرایط استثنایی است . این خاک را کوزه گران میبد "گل کوزه" می نامند و دارای خاصیت پلاستیکی و فرم پذیری و چسبندگی فراوان است. خلوص این خاک چنان است که استادکاران میبدی سفالینه های میبدی را از سایر سفالینه ها تمیز می دهند. صنعتگران میبدی مواد مورد

نیاز برای سایر انواع سفال و سرامیک ، انواع "گائولن" و "فلداسپات" و مواد "رنگ و لعاب" را از کوههای غربی میبد فراهم می آورده اند . همچنین نوع "گل" را از اراضی شرق میبد یعنی منطقه "پهلوا" به دست آورده اند، که آنرا "گل پهلوا" می نامند. (پویا، ۱۳۷۸، ص ۲)

ویژگی خاک میبد و مناسبت آن برای کار سفالگران به گونه ای است که ساکنان باستانی این منطقه در نخستین تجربه ها با محیط زندگی خویش، می توانسته اند به این خاصیت پی ببرند، تا حدی که پیدایش فن سفالگری در میبد را می توان پدیده ای "اکولوژیک" به شمار آورد. در میبد قطعه سفالی یافته شده است که دارای نقش برجسته ای «ترکیب انسان و حیوان» است. این نقشهای اسطوره ای متعلق به آیینهای ایرانی پیش از زردشت یعنی بیش از سه هزار سال قبل است. (همان: ص ۳)

به هرحال این سفالینه یا در میبد ساخته شده یا سندی است از ارتباط فرهنگی بسیار قدیم این منطقه با سایر مراکز تمدن قدیم ایران.

سفالینه های دیگری نیز از گورها و مغاک قدیمی میبد در کنار جسدها به دست آمده که از روی قرائن موجود به عهد هخامنشی و اشکانی است ، زیرا این گونه تدفین های همراه با ابزار زندگی، متعلق به ادوار بسیار کهن تاریخ ایران است.

گفتنی است، نقش و نگارهای باستانی که هنوز در سفال و سرامیک های میبد به کار می رود اعم از گل و گیاه و نقش های هندسی و یا موتیوهای انتزاعی و هنرمندانه غالباً نماد همان آیین ها و باورهای مردم و دل مشغولیهای هنرمندان میبدی در ادوار قدیم بوده و دارای جنبه های قوی سمبولیک می باشد.

جی گلاک ، محقق ژاپنی نقشهای: «خورشید خانم» ، «کبوتر» ، «ماهی» ، «اسب سوار» و «پادشاه» را از نقش های خاص هنرمندان میبدی می داند. این نگاره ها در سال ۱۹۷۱ در فستیوال مونیخ برنده ی جایزه ی درجه اول طلا گردید.

پژوهشهایی که براساس شواهد موجود و اسناد و روایات تاریخی در میبد انجام گرفته حاکی از آن است که پیشینه ی تاسیسات مدنی در این منطقه دست کم تا عهد دولت ماد یعنی هزاره ی اول پیش از میلاد بوده است. (پویا ، ۱۳۷۸، ص ۴)

سفال یکی از مهمترین و قدیمی ترین دست ساخته های هنری بشر است که از آغاز سفالگری تاکنون همچنان پایدار مانده است. در بررسی و کاوشهای باستان شناسی که هدف آن آگاهی به هنر، تاریخ، و فرهنگ اقوام گوناگون است، آثار سفالین قدر و ارزش ویژه ای دارد، این ویژگی بیشتر از آن جهت است که مطالعه و

بررسی آثار سفالی هر قوم در ادوار مختلف گشاینده راهی است برای آگاه شدن از تفکر، باورهای مذهبی و سرانجام تاریخ و ارتباط ملت ها با یکدیگر. در حالی که دیگر اشیاء هنری چون آثار فلزی، چوب یا دست بافته ها به علت فاسد شدن یا کاربرد مجدد این امکان را دشوار می سازد. (کیانی، ۱۳۷۹، ص ۲)

از پیشینه سفالگری در میبد سندی در دست نیست، هرچند نمونه ای از سفال دست ساز بدون استفاده از چرخ در محوطه نارنج قلعه به دست آمده است. ولی تردیدی نیست، که این صنعت در میبد سابقه بسیار طولانی دارد، زیرا سفال های ساخت آن از کیفیت و ظرافت بالایی برخوردار است، و رسیدن به این درجه از استادی زمان می طلبد. پیدایش چرخ سفال گری تحول بزرگی را در این صنعت به وجود آورد. که سفالگران ابتدا از چرخ های کند استفاده کردند و سپس به چرخهای پرسرعت و تند گردش که امروز نیز مورد استفاده کارگاه های سفالگری سنتی است دست یافتند. (جانب الهی، ۱۳۸۵، ص: ۴۵۲)

نگاهی به فرهنگ کار و زندگی سفال و سرامیک سازان سنتی در میبد:

در مجموعه ی کارگاههای سنتی میبد سه نوع کار متفاوت است.

۱- ساخت سفال ساده بی لعاب

۲- ساخت سفال لعاب دار (کواره)

۳- کاشی سازی

اما خودشان از دو تیب کار نام می برند (۱) سفیدواره (۲) رنگینه واره، که اولی به سفالهای بی لعاب و دومی به مجموعه سرامیک رنگارنگ و نقش و لعاب دار اطلاق می شود. (پویا، ۱۳۷۸، ص: ۵)

می توان ادعا کرد که از لحاظ تنوع اشیاء ساخته شده، کارگاههای سنتی میبد کم نظیر و یا شاید بی نظیر است. آنها در دوران های گذشته تقریباً به اکثر نیازهای مردم در زمینه وسایل کار و زندگی پاسخ می داده اند. مثلاً در امر دامداری، وسایل مربوط به دامها، در کار کشاورزی و آبیاری (مثلاً نوه های سفالی انتقال آب و تشت و تِغار و غیره) در کار قنات، وسایل متنوعی برای ساخت و مرمت کاریزها - در کار ساختمان، از آجرهای متنوع گرفته تا لگن مستراح - در حرفه های گوناگون از تنور نانوايي تا قالب قند و خمره ی رنگ - همچنین وسایل بسیار متنوع برای خانه و زندگی از قبیل سیلوهای خانگی غلات، مایعات و وسایل آشپزخانه و مهمانی و پذیرایی، اسباب بازیهای متنوع برای کودکان، وسایل تزئینی مانند گلدانها و شمعدانها و کاشیهای تزئینی - اشیاء مربوط به مراسم آیینی مانند آنچه در گورها و معبد ها می گذاشته اند - چراغهای روغن سوز و

پیه سوز ، وسایل حمام و لوحه ی تاریخ.(همان :ص ۶) به گونه ای که حضور کار و هنر آنان در همه ی عرصه های زندگی قدیم کاملاً آشکار است .

همواره بخش عمده ای از اشیا ساخته شده در میبد به نقاط دور دست صادر می شود.

نگاره های سفال

نگاره های که در ظروف سفال میبد به کار رفته است گاه چنان پر نقش است ، که همه سطح داخلی و خارج ظرف را می پوشاند، گویی این نقش است که ظرف را ساخته است. این نقش ها در واقع تاریخ مصور میبداست، زیرا تمام مظاهر زندگی مردم را به تصویر کشیده است. سفالگری در میبد دارای طرح های ویژه ای است و از حال و هوای کویر نشات گرفته است. در اصطلاح محلی به تولیدات سفال کواره می گویند. خورشید خانم که در سالهای اخیر به عنوان وجه مشخص سفال میبد مطرح شده است، در داخل و در قسمت وسط ظرف است، که گاه تنها و زمانی محاط در نقش های مرغ و ماهی است. سفال و سرامیک میبد با نقش های اصیل خورشیدخانم و مرغ و ماهی شهرت فراوان دارد. خورشید سمبل آفتاب درخشان کویر می باشد . طرح سرامیک میبد با نقش خورشید ، مرغ و ماهی در نمایشگاه بین المللی مونیخ در سال ۱۹۷۱ میلادی برنده مدال طلا شد. و در سایر نمایشگاهها با استقبال بازدید کنندگان و تایید صاحب نظران روبرو گردید. (جانب الاهی، ۱۳۸۵:ص ۴۹۹)

خورشید خانم :

نقش باستانی خورشید خانم با ۷ شاخه اشعه نیز از نقش های ویژه سفال میبد بوده است ،این نگاره که امروزه تقریباً در انحصار سفالگری میبدی است، و سفال و سرامیک میبد را با آن می شناسند، تصویر زنی است، که هفت یا هشت اشعه فروزان برگرد سرش پرتو افکنده است. این نگاره در سفال میبد نباید سابقه چندانی داشته باشد. و ظاهراً اولین بار بنا به سفارش زرتشتیان بر سفال میبد نقش بسته است. خورشید خانم یک نقش باستانی است ، که در روی بعضی آثار به جا مانده از پیش از میلاد نیز مشاهده می شود ، در سر سنجاقی از لرستان مربوط به قرن هشتم پیش از میلاد این نقش به چشم می خورد، گیر شمن نمونه های زیادی از تصویر زن بر روی آثار به جا مانده از تمدن های مختلف شوش ، سیلک و لرستان معرفی کرده است

به گمان او ممکن است، به تصویر کشیدن صورت زن به ویژه بر روی ظروف سفالینه مربوط به مراسم، آیینی مذاهب قدیم ایرانیان باشد. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ص ۱۵)

وی تصویری از میله ی برنزی که به یک صفحه مدور منتهی می گردد، ارائه می دهد، که در مرکز صفحه شکل انسانی به صورت برجسته محصور در نقش ماهی به چشم می خورد، به نظر وی ممکن است این نقش مربوط به الهه اشی باشد. (همان، ص ۴۸)

دانشمندان نگاره خورشید خانم را ترکیبی از آناییتا ایزد آب و خورشید مظهر روشنائی دانسته اند، اصطلاح رایج «آب است و روشنائی» با چنین باوری ارتباط دارد، به علاوه «ستاره یا خورشیدی که ۸ اشعه فروزان از آن جدا می شود، از ماندالا یا تصاویر چهار گانه هستند که تاریخی بسیار مفصل دارند، و به انواع و اقسام شکل ها در می آیند.» (شایگان، ص ۹)

خورشید یا ستاره علامت خدای روشنی نیز هست، در مهرهای به جا مانده از دوران باستان نقش خورشید به صورت سه دایره تو در تو است. (بیانی، ۱۳۶۳، صص ۹۷-۹۶)

تحلیلی بر نگاره خورشید خانم

یکی از چهار عنصر مفید در طبیعت، خورشید است که به عنوان وجودی مؤنث تعبیر شده که این امر می تواند ناشی از باروری و زاینده گی خورشید باشد. از قدیمی ترین نقش های خورشید خانم با هیئت فعلی مربوط به کیش "زروانی" است. این کیش یکی از باستان ترین ادیان است، که پس از گذشت هزاران سال دوباره در زمان ساسانیان پایه گرفت. پیروان این کیش "زروان اکرانه" را خدای بزرگ و خالق "اهورامزدا" می دانستند. زروان پیش از زردشت به عنوان خالق هستی پرستش می شده است. نقش خورشید خانم در کاسه و ظروف سفالی، توصیف چهره ی زن و ابروان پیوسته و سیاه و چشمان بادامی اش به تناسب همان ابرو بزرگ است. این کاسه همچون دنیایی است که البته خورشیدش در آسمان و آسمان همان کاسه ی گرد است. پس برای نمایش این نظاره و زیبایی آن است که خورشید با چشم و ابرو نگاشته شده است. سفال میبید یکی از زیباترین جلوه های تصویری نقش خورشید را در خود دارا است. قرابت و همنشینی نقش در کنار ماهی و کبوتر مفاهیمی نمادین و خاص به ظروف داده است. صورت خورشید خانم معمولا با دو گیسوی باز شده در طرفین تا پایین قرص و دوایر اصلی از نقش مشاهده می شود. گاه آن را به صورت خطوطی ترسیم می کنند تا حالت بهتر و واقعی تری به خود گیرد، ابروان پیوسته و از محل تقاطع دو کمان، خطی به پایین و شکل

بینی مجسم می شود. لب ها نیز حالت نیمه باز و عمدتا حالت لبخند دارند. هاله هایی نورانی با اشکال خاص نیز بر جنبه ی پرتو افشانی نقش صحنه می گذارد.

نتیجه گیری

میباید یکی از نمونه های نادر شهرهای باستانی ایران به شمار می رود، هر چند که بافت سنتی آن گزندهای فراوانی دیده است، اما هنوز بسیاری از پدیده ها و عناصر شهری قدیم، مانند راه های باستانی، بناها و تشکیلات وابسته به آن کهن دژ، شارستان، بیرونه ها، و آثار گسترش شهری و بازمانده بناهای کهن را می توان در آن تشخیص داد.

سفال یکی از قدیمی ترین ساخته های دست بشر است که در تمام طول عمر وی از قدیمی ترین ایام تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است. سفال در واقع نخستین محصول هنری و صنعتی مردمان اولیه و حاصل نیاز و شعور آدمی در به کار گیری عوامل طبیعت است. در شهرستان میبد هنر سفالگری و سرامیک سازی از گذشته های بسیار دور رایج بوده و هم اینک با سعی و کوشش دست اندرکاران این هنر کارگاه های قدیمی و پراکنده به صورت مجتمعی فعال، تولیدکننده انواع گوناگون فرآورده های سفالین و سرامیک در سطح استان یزد به شمار می آید.

همواره بخش عمده ای از اشیاء ساخته شده در میبد به نقاط دور دست صادر می شود. شهرهای جنوب و جنوب شرقی ایران به سبب نزدیکی راه، بیشترین خریداران این اشیاء بوده اند. اما دستواره های نفیس میبدیان که اغلب با سفارش قبلی تهیه می شده در اغلب شهرهای ایران وجود دارد و امروزه بسیاری از آنها زینت بخش موزه های داخلی و خارجی است.

درخاتمه با درود فراوان به روان پاک استادان و هنرمندان بی نام و نشان میبیدی که در طول تاریخ، کار، و زندگی پر رنج و افتخار خود این سلسله را از آغاز تا امروز نگه داشته اند. آرزو مندیم که تلاشگران امروز و آیندگان با بهره مندی از دانش نوین و تکنولوژی در جهان نو، برگهای درخشانی بر این دفتر پر افتخار بیفزایند..

منابع

اسفنجاری کناری، عیسی، (۱۳۸۵)، **میبد، شهری که هست**، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، چاپ اول.

-افشار، ایرج، (۱۳۷۱)، **یزدنامه، فرهنگ ایران زمین**، تهران.

بیانی، ۱۳۶۳، **ملکزاده، تاریخ مهر ایران**، یزدان، تهران.

بور کهارت، تیتوس، ۱۳۶۹، **هنر مقدس**، تهران، سروش

پایگاه پژوهشی میبد، (۱۳۸۶)، **کهن شیر کوه**، جلد اول، چاپ اول، انتشارات حافظ.

پویا، عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، **شناخت و کاربرد سرامیک**، نشر یزد

.....(۱۳۷۱)، سیمای شهر باستانی میبد، موسسه انتشارات یزد

حصوری، علی، (۱۳۸۱)، مبانی طراحی سنتی در ایران، تهران، نشر چشمه

جانب الهی، محمد سعید، (۱۳۸۵)، چهل گفتار در مردم شناسی میبد، تهران، روشنان

ذاکر عاملی، لیلا، (۱۳۸۵) میبد کهن شهر کویر، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

فاکر، محمد، (۱۳۸۲)، فرزندگان میبد، قم، انتشارات قدس

فلاح، علیرضا، (۱۳۹۱)، ساختارهای دفاعی در میبد، یزد

کاتب یزدی، احمد (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، چاپ اول، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیر کبیر.

کارگر، محمد، (۱۳۸۶)، مشاهیر میبد، یزد، انتشارات اندیشمندان.

کیانی، یوسف، (۱۳۷۹)، پیشینه سفال در ایران، انتشارات نسیم دانش

گل محمدی شورکی، محمود، (۱۳۷۹)، تأثیر صنعت بر توسعه میبد، پایان نامه کرشناسی ارشد دانشگاه
نجف آباد.

گیرشمن، (۱۳۷۱)، هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

ولف، هانس ای، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم زاده، تهران، انتشارات علمی و
فرهنگی

سفالگری

سفالگری و سرامیک سازیا امروزه یکی از پیشه های اصلی مرد در میبد است که از پشتهوانه فرهنگی و تاریخ پر بار آن حکایت دارد. بررسیه نشان از قدمت هزاران ساله ی هنر سفالگری در میبد دارد. نقاشی با رنگهای آبی وسبز بر زمینه سفید رنگ بدنه این ظروف، نشانه ی خاص سفال میبد است. در گذشته ی نه چندان دور سفال در زندگی مردم میبد کاربردهایی از این قبیل داشته است. در معماری برای فرش حیاط، پوشش بامها، ساخت بدنه بادگیرها، تزیین سردر ها، سبک سازی بامها، آبروها و... از طرحهای معروف سفالهای میبدی که هم اکنون هم رواج دارد می توان از خورشید خانم، اهی، مرغی، شطرنجی شویدی و... نام برد.